

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۵۶

دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع:
تحول در رابطه دولت و جامعه در ایران پس از انقلاب
اسلامی
(۱۳۵۲-۱۳۸۴)

نگارش:
محمد کوچ

استاد راهنما:
دکتر محمد جعفر جواد

استاد مشاور:
دکتر حمید احمدی

رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی

شهریور ۱۳۸۶

۱۵۷۱۷

کتابخانه حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه تهران

۱۳۸۷ / ۷ / ۲۵



دانشکده حقوق

گروه آموزشی علوم سیاسی

گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد آقای / خانم محمد کوچ

در رشته علوم سیاسی گرایش

عنوان: تحول در رابطه دولت و جامعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی

را در تاریخ ۱۶/۷/۲

به عدد به حروف

۱۹، نوزده

با نمره نهایی:

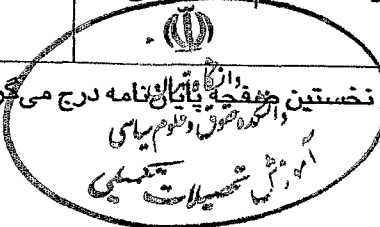
ارزیابی نمود

عالی

و درجه:

امضاء	دانشگاه یا موسسه	مرتبّه دانشگاهی	نام و نام خانوادگی	مشخصات هیات داوران	ردیف
	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	استایار	دکتر محمد جعفر جواد	استاد راهنما استاد راهنمای نوم (حسب مورد):	۱.
	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	استاد	دکتر حمید احمدی	استاد مشاور	۲.
	دانشکده مخابرات	دانشیار	دکتر مصطفی ملکوتیان	استاد مدعو (یا استاد مشاور نوم)	۳.
				استاد مدعو	۴.
	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	استادیار	دکتر سید رحیم ابوالحسنی	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	۵.

تذکر: این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین جلسه دفاع از پایان نامه درج می گردد.



تقدیم به مادر مهربانم و پدر بزرگوایم...

چکیده

در روند توسعه کشورهای عقب مانده به وجود آمدن شکاف میان دولت و مردم یک امر طبیعی و اجتناب ناپذیر است. گاه عوامل تاریخی-سیاسی این شکاف را تشدید می کند. رشد و گسترش شکاف باعث بحرانهای متعددی از جمله بحران مشروعیت سیاسی می گردد. بنابراین بررسی شکاف میان دولت و مردم امری مهمی به نظر می رسد. لذا در این پایان نامه بر این فرضیه متمرکز شده است که نظام جمهوری اسلامی ایران با وجود اینکه سعی نموده است جامعه را بر اساس ایدئولوژی نوین خویش از نو بسازد ولی پس از مدتی از همگرایی دولت و مردم (در دوره امام خمینی (ره) شکاف میان دولت و مردم دوباره بروز گشته است.

در این تحقیق به دنبال بررسی عوامل بروز شکاف مذکور بودیم. پس از بررسی مقدماتی-تاریخی تحولات و وقایع قبل از انقلاب اسلامی به بررسی شکل گیری نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته ایم. در بخش دوم، ضعف پیوندهای هنجاری-ارزشی که در دوره سازندگی بروز گشت و در دوره اصلاحات تشدید گردید، مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل پنجم که مهمترین قسمت این تحقیق را تشکیل می دهد؛ پس از بررسی عملکرد و تحول در ساختار حکومت اسلامی و تاثیر آن بر ایجاد شکاف، تحولات ساختاری-جمعیتی و نقش عوامل ناشی از فرایند جهانی شدن شواهد و اطلاعات عینی درباره ضعف پیوندهای ارزشی میان دولت و مردم در دهه دوم و سوم انقلاب اسلامی را بررسی نموده ایم.

فهرست مطالب

کلیات

۲	مقدمه
۴	طرح و تبیین مسأله
۴	سوالات تحقیق
۴	فرضیه تحقیق
۵	هدف تحقیق
۵	سابقه تحقیق
۵	روش تحقیق
۵	تعریف مفاهیم
۶	سازماندهی تحقیق

بخش اول

۹	فصل اول: بحث تئوریک: نظریه شکافها
۱۰	تعریف شکاف و اهمیت آن در جامعه‌شناسی
۱۴	انواع شکافها
۱۵	تأثیر شکافها بر زندگی سیاسی
۱۷	شمار شکافها و چگونگی تعامل بین آنها
۲۰	نظریه تضاد «دارندروف» و تطبیق آن با شرایط ایران
۲۱	نظریه چالمرز در رابطه با شکاف
۲۳	فصل دوم: تکوین نظام جمهوری اسلامی
۲۴	مقدمه
۲۵	گفتار اول: رویکردهای موجود در تحلیل انقلاب اسلامی
۲۵	۱- تأکید بر عوامل اقتصادی و اجتماعی

- ۲- تأکید بر عوامل روان‌شناختی ۲۷
- ۳- تأکید بر عوامل سیاسی ۲۹
- ۴- تأکید بر عوامل فرهنگی ۲۹
- ۵- رهیافت چند علیتی به انقلاب ۳۰
- گفتار دوم: تاریخچه و زمینه‌های انقلاب اسلامی ۳۱
- اوضاع ایران در قرن ۱۹ میلادی و قیام تنباکو ۳۱
- انقلاب مشروطیت ۳۳
- دولت استبدادی شبه مدرن رضاشاه ۳۵
- سلطنت محمدرضا شاه ۳۷
- دوره دوم حکومت محمدرضا شاه (۱۳۳۲-۱۳۵۷) ۳۹
- دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ۴۰
- لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و اعتراض امام خمینی ۴۲
- قیام ۱۵ خرداد، اهمیت تاریخی و پیامدهای آن ۴۴
- تحولات ایران از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ۴۶
- سال ۱۳۵۶ و شروع انقلاب اسلامی ۴۶
- گفتار سوم: پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ۵۱
- دوره انتقال قدرت و تثبیت نظام سیاسی جدید ۵۱
- دولت موقت ۵۱
- علل به قدرت رسیدن دولت موقت ۵۲
- تعامل دولت موقت با امام خمینی، نهادها و جریان‌ات انقلابی ۵۴
- الف- دولت موقت و امام خمینی ۵۴
- ب- دولت موقت و قانون اساسی ۵۶
- ج- دولت موقت و شورای انقلاب ۶۰
- د- بازرگان و چپ‌گرایان ۶۲
- محورهای مورد اختلاف دولت موقت و چپ‌گرایان ۶۳

- ۶۴- بحران گروگانگیری و سقوط دولت موقت.....
- ۶۵- از سقوط دولت موقت تا استقرار کامل جمهوری اسلامی.....
- ۶۷- بنی صدر، بحران گروگانگیری.....
- ۶۹- جنگ عراق و عزل بنی صدر.....
- ۷۰- نتیجه گیری.....
- فصل سوم: ساختار و ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی..... ۷۱**
- ۷۲- مقدمه.....
- گفتار اول: اصول کلی مندرج در قانون اساسی در رابطه با ایدئولوژی جمهوری اسلامی ۷۲
- ۷۲- اصول بنیادی.....
- ۷۶- اصول اخلاقی - اجتماعی و فرهنگی.....
- ۷۸- اصول مذهبی.....
- ۷۹- اصول ملی.....
- ۸۱- خط مشی و طریقه کلی نظام جمهوری اسلامی.....
- ۸۳- اهداف و طریقه کلی نظام جمهوری اسلامی.....
- گفتار دوم: ولایت فقیه به عنوان اساس و پایه نظام جمهوری اسلامی..... ۸۵
- ۸۵- ولایت فقیه و معانی آن.....
- ۸۶- ویژگیهای ولایت فقیه از نظر امام خمینی.....
- ۸۸- ولایت فقیه در قانون اساسی.....
- گفتار سوم: مواضع جمهوری اسلامی ایران در زمینه سیاست خارجی..... ۸۹
- ۹۰- ۱- تلاش در جهت تشکیل امت واحد جهانی.....
- ۹۰- ۲- حمایت از مستضعفین در قبال مستکبرین.....
- ۹۱- ۳- حراست از استقلال و تمامیت ارضی کشور جمهوری اسلامی.....
- ۹۱- ۴- دفاع از حقوق مسلمانان.....

- ۹۲..... اصل صدور انقلاب و سیاست خارجی
- ۹۲..... نظریه ام‌القری و سیاست خارجی ج.ا. ایران
- ۹۴..... گفتار چهارم: مواضع جمهوری اسلامی در زمینه اقتصاد
- ۹۵..... ضوابط اقتصادی در جمهوری اسلامی
- ۹۶..... پایه‌های نظام اقتصادی در جمهوری اسلامی

بخش دوم

فصل چهارم: پیوندهای هنجاری و ارزشی میان جامعه و دولت در ایران در

- دهه اول انقلاب..... ۹۹
- مقدمه..... ۱۰۰
- الف- مفهوم ارزشها..... ۱۰۰
- ب- تعریف ارزش..... ۱۰۱
- گفتار اول: انقلاب اسلامی و تغییر ارزشها..... ۱۰۲
- انقلاب اسلامی و طرح ایدئولوژی‌های جدید..... ۱۰۵
- انقلاب اسلامی و حاکمیت ارزشهای انقلابی و اسلامی..... ۱۰۶
- علل تغییر ارزشهای شاهنشاهی به انقلابی - اسلامی..... ۱۰۸
- فرآیند تغییر ارزشها در انقلاب اسلامی..... ۱۰۹
- گفتار دوم: ارزشها و هنجارهای حاکم در دهه اول انقلاب..... ۱۱۰
- الف- ارزشهای ضد تجدد..... ۱۱۰
- ۱- تغییر در لباس مردان و حجاب..... ۱۱۱
- ۲- زن و خانواده..... ۱۱۱
- ۳- منع استفاده از مسکرات..... ۱۱۲
- ۴- شنیدن موسیقی..... ۱۱۲
- ب- جنگ و اوج حاکمیت ارزشهای انقلابی - مذهبی..... ۱۱۲
- ۱- دفاع به عنوان یک ارزش و یک هنجار..... ۱۱۳

۱۱۳.....	۲- جبهه‌های جنگ و ایمان.....
۱۱۴.....	۳- شهادت به عنوان ارزش.....
۱۱۵.....	ج- ارزشهای دیگر انقلاب اسلامی.....
۱۱۵.....	نتیجه‌گیری.....
فصل پنجم: ضعف پیوندهای هنجارها میان جامعه و دولت در	
جمهوری اسلامی بعد از ۱۳۶۸.....	
۱۱۷.....	مقدمه.....
گفتار اول: عملکرد و تحول ساختار حکومت اسلامی و تأثیر آن در ایجاد	
۱۱۹.....	شکاف دولت و جا.....
۱۲۰.....	- دوران سازندگی و تشدید نابرابری در ایران.....
۱۲۱.....	- سیاست تعدیل انسانی در دوران سازندگی.....
۱۲۳.....	- کاهش سوبسیدها در دوران سازندگی.....
۱۲۴.....	- رانت جویی سیاسی در دوران سازندگی و تأثیر آن بر شکاف دولت و جامعه.....
۱۲۶.....	- عملکرد دولت سازندگی و بحران مشارکت سیاسی و تأثیر آن در تحول ساختار حکومت اسلامی.....
گفتار دوم: تحولات ساختاری - جمعیتی و ایجاد شکاف بین جامعه و	
۱۳۰.....	دولت.....
۱۳۰.....	مقدمه.....
۱۳۳.....	۱- تحولات جمعیتی.....
۱۳۷.....	۲- تحول در پراکنندگی جمعیت از نظر جغرافیایی و افزایش شهرنشینی.....
۱۴۰.....	۳- تغییر سطوح تحصیلی و افزایش باسوادی.....
۱۴۲.....	۴- تأثیر افزایش جمعیت در حوزه کتاب.....

- ۵- تأثیر افزایش جمعیت بر مطبوعات ۱۴۳
- ۶- تأثیر افزایش جمعیت بر گسترش رسانه و ارتباطات ۱۴۴
- سازي بعنوان واكنش به فشارهاي جهاني شدن ۱۵۰
- گفتار چهارم: شواهد و اطلاعات عینی درباره ضعف پیوندهای ارزشی میان
جامعه و دولت در دهه دوم و سوم انقلاب اسلامی ۱۵۱
- اعتقاد به دین ۱۵۳
- رفتن به مسجد و شرکت در نماز جماعت و جمعه ۱۵۸
- رعایت حجاب ۱۶۱
- معنویت‌گرایی و نفی تجمل‌گرایی ۱۶۲
- نتیجه‌گیری ۱۶۵
- فهرست منابع ۱۷۰

کلیات

مقدمه

در ایران بحث روابط و مناسبات میان دولت و مردم و ابعاد مختلف آن در طی سالهای اخیر اهمیت و گسترش در خور توجه یافته است. در ایران بطور تاریخی و ریشه دار نوعی شکاف و تعارض بین دولت و مردم وجود داشته و دارد. شکاف میان دولت و مردم در عمومی ترین صورت خود در قالب ناهمگرایی فردی بروز می کند و شکاف و تضاد در صورتهای حادثتر و در پی انباشت تعارضها تا سر حد شورشها و انقلابهای اجتماعی گسترش می یابد.

تعارض و شکاف بین دولت و مردم در ایران، یک واقعیت است واقعی که ریشه های عمیق تاریخی، سیاسی و اقتصادی دارد. البته طرح مسأله شکاف میان دولت و مردم پس از انقلاب به این معنی نیست که این پدیده پس از انقلاب رخ داده است. همانطور که گفتیم پدیده شکاف و تعارض دولت و مردم نه تنها در پیش از انقلاب، بلکه در طول قرنهای تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران تکوین و گسترش یافته است. پس از انقلاب نیز این پدیده به اقتضای طبیعت و سرشت جامعه و فرهنگ ایران، با نوسانهای کم و بیش تداوم یافته است. ولی به نظر می رسد وسعت و عمق ناهمگرایی و شکاف در دو دهه اخیر بی سابقه است. در واقع تعارض و شکاف دولت و مردم در ایران به صورت دو خط و منحنی پرنوسان قابل ترسیم است که در مقاطع زمانی مختلف موقتا به یکدیگر نزدیک می شوند و غالبا از هم دور می مانند. این مقاطع زمانی که دو منحنی به یکدیگر نزدیکتر می شوند، دوران همگرایی و تجانس نسبی دولت و مردم در ارزشها و نگرشهاست. این پدیده اغلب در آغاز شکل گیری حکومتها و بویژه پس از نهضتها و انقلابهای اجتماعی و یا با ظهور یک شخصیت و رهبر با نفوذ سیاسی رخ می نماید و پس از ناهمگرایی،

- ۴- شنیدن موسیقی ۱۱۲
- ب- جنگ و اوج حاکمیت ارزشهای انقلابی - مذهبی ۱۱۲
- ۱- دفاع به عنوان یک ارزش و یک هنجار ۱۱۳
- ۲- جبهه‌های جنگ و ایمان ۱۱۳
- ۳- شهادت به عنوان ارزش ۱۱۴
- ج- ارزشهای دیگر انقلاب اسلامی ۱۱۵
- نتیجه‌گیری ۱۱۵
- فصل پنجم: ضعف پیوندهای هنجارها میان جامعه و دولت در جمهوری اسلامی بعد از ۱۳۶۸ ۱۱۷
- مقدمه ۱۱۸
- گفتار اول: عملکرد و تحول ساختار حکومت اسلامی و تأثیر آن در ایجاد شکاف دولت و جامعه .. ۱۱۹
- دوران سازندگی و تشدید نابرابری در ایران ۱۲۰
- سیاست تعدیل انسانی در دوران سازندگی ۱۲۱
- کاهش سوبسیدها در دوران سازندگی ۱۲۳
- رانت جویی سیاسی در دوران سازندگی و تأثیر آن بر شکاف دولت و جامعه ۱۲۴
- عملکرد دولت سازندگی و بحران مشارکت سیاسی و تأثیر آن در تحول ساختار حکومت اسلامی ۱۲۶
- گفتار دوم: تحولات ساختاری - جمعیتی و ایجاد شکاف بین جامعه و دولت ... ۱۳۰
- مقدمه ۱۳۰
- ۱- تحولات جمعیتی ۱۳۳
- ۲- تحول در پراکندگی جمعیت از نظر جغرافیایی و افزایش شهرنشینی ۱۳۷
- ۳- تغییر سطوح تحصیلی و افزایش باسوادی ۱۴۰
- ۴- تأثیر افزایش جمعیت در حوزه کتاب ۱۴۲
- ۵- تأثیر افزایش جمعیت بر مطبوعات ۱۴۳
- ۶- تأثیر افزایش جمعیت بر گسترش رسانه و ارتباطات ۱۴۴
- گفتار سوم: نقش عوامل ناشی از فرایند جهانی شدن در شکاف بین دولت و جامعه ۱۴۷

تعارض و فاصله همیشگی، طبق سنت تاریخی و اجتماعی بتدریج شکل می‌گیرد و با دخالت عوامل و متغیرهای تأثیر گذار به طور مداوم باز تولید و اثبات می‌شود.

بنابراین در شرایط تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران می‌توان گفت که مهمترین شکاف در جامعه ایران تضاد و ناهمگرایی تاریخی دولت و مردم بوده و سایر شکافها از جمله شکاف سنت و مدرنیسم در درجات بعدی اهمیت قرار دارند. از برخی استثناها که بگذریم، ایران در هر زمان صحنه چالشهای بی‌وقفه میان "دولت مردم‌گریز" و "مردم دولت‌ستیز" بوده است.

شکاف دولت و مردم در ایران به حدی بوده که در هر دوره از شورشها و انقلابها، به ویژه در دو انقلاب سده اخیر، یعنی انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ ش.) و انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) مردم صرف نظر از شغل، رتبه، تحصیلات، ثروت و درآمد...جملگی در قیام علیه حکومت شرکت جسته و بدون هیچ مسامحه‌ای خواهان تغییر حکومت و سرنگونی دولت به هر قیمتی بودند. عمق شکاف بین دولت و مردم در ایران به حدی بوده که جنبشهای اصلاح طلبانه در این کشور کمتر موفق بوده است. زیرا پتانسیل تضاد دولت و جامعه همواره به حدی بوده است که در هر فرصت ممکن هر جنبش اجتماعی تبدیل به انقلاب توفنده می‌شد تا انرژی‌های متراکم جامعه را آزاد و به سبیلی بنیادین تبدیل کند.

بنابراین وجود شکاف و تضاد سنتی دولت و جامعه در ایران، پدیده اجتماعی مشهودی است و شاید برای اثبات آن چندان نیازی به ارایه ادله و مستندات نباشد؛ بلکه زمینه‌ها، ابعاد، پیامدها، شدت و ضعف این شکاف به بررسی‌ها و پژوهشهای علمی و کاربردی نیاز دارد.

تحقیق حاضر به بررسی شکاف بین مردم و دولت پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. در طی تاریخ استقرار نظام جمهوری اسلامی میان نظام سیاسی و ایدئولوژی رسمی از یک سو و جامعه و افکار عمومی از سوی دیگر شکاف فزاینده‌ای پیدا شده است و به نظر می‌رسد که مجموعه‌ای از عوامل از جمله عملکرد حکومت اسلامی، تحول در ساختار اجتماعی، نقش عوامل ناشی از فرآیند جهانی شدن و تحول در ساختار حکومت اسلامی بر شکاف فزاینده میان دولت و مردم تأثیر گذار بوده است. هدف این تحقیق بررسی تأثیر این عوامل بر شکاف بین دولت و مردم در دوران جمهوری اسلامی مخصوصاً دهه دوم و سوم انقلاب می‌باشد.

طرح و تبیین مسأله:

همه جوامع دارای شکاف‌های مختلف اجتماعی هستند. اصولاً جامعه‌ای بدون شکاف یافت نمی‌شود. یکی از شکاف‌های اصلی موجود در جوامع، شکاف بین دولت و مردم می‌باشد. بحث دولت و مردم و روابط و مناسبات آنها در چارچوب مباحثی همچون جامعه مدنی، حدود حکومت و حقوق ملت، حوزه‌های عمومی و خصوصی... از مدتها پیش در سطح جهانی و کم و بیش در ایران مطرح بوده است. در ایران به طور تاریخی و ریشه‌دار نوعی شکاف و تعارض بین دولت و مردم وجود داشته و دارد. این شکاف و ناهمسویی از سطوح ذهنی و فردی، شامل تعارض در ارزشها و نگرشها، تا ابعاد عینی و اجتماعی یعنی ناهمسویی در هنجارها و رفتارها را در برمی‌گیرد.

بنابراین در تحلیل تاریخ معاصر ایران، همواره نوعی تعارض بین نظامی سیاسی، ایدئولوژی رسمی از یک سو و جامعه و افکار عمومی از سوی دیگر وجود داشته است. که این تعارض و یا ناهماهنگی زمینه اصلی آنومی یا بی‌هنجاری سیاسی و انفعال فرآیندها بر خاسته از آن بوده است.

بنابراین به نظر می‌رسد که در طی تاریخ استقرار نظام جمهوری اسلامی میان نظام سیاسی و ایدئولوژی رسمی از یک سو و جامعه و افکار عمومی از سوی دیگر شکاف فزاینده‌ای پیدا شده است و نویسنده به دنبال عوامل این شکاف می‌باشد.

سوالات تحقیق:

سوال اصلی: چه عوامل و متغیرهایی در بوجود آمدن شکاف فزاینده بین نظام سیاسی و ایدئولوژی رسمی از یک سو و جامعه و افکار عمومی از سوی دیگر در دوران استقرار نظام جمهوری اسلامی تأثیرگذار بوده است؟

فرضیه تحقیق:

مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل بر روی این متغیر یعنی شکاف فزاینده از جمله (۱) عملکرد حکومت اسلامی (۲) تحول در ساختار اجتماعی (۳) نقش عوامل ناشی از فرآیند جهانی شدن (۴) تحول در ساختار حکومت اسلامی؛ تأثیرگذار بوده است.

هدف تحقیق:

علی‌رغم اتکای نظام جمهوری اسلامی به رای و نظر عمومی مردم در آغاز تأسیس نظام به مرور زمان ما بین ساختارها و ایدئولوژی رسمی نظام و افکار عمومی شکاف عمده‌ای ایجاد شده است، هدف این تحقیق تحلیل چگونگی عارض شدن این حالت است.

سابقه تحقیق:

در رابطه با این موضوع در مورد رژیم قبل از انقلاب می‌توان به «تضاد دولت و جامعه» اثر محمدعلی همایون کاتوزیان اشاره کرد. ایشان بیش از دیگران در این وادی اهتمام ورزیده است. وی عقیده دارد که در ایران ناهمگرایی مداوم و پایان ناپذیر دولت و مردم نوعی وضعیت تثبیت ناپذیر را آورده است که هم برای زندگی مردم و هم برای بقای حکومت نامطلوب است. نویسنده مذکور در مجموع به تعارض تمام عیار دولت و مردم تأکید می‌ورزد.

ولی در مورد جمهوری اسلامی به این مبحث کمتر پرداخته شده است تنها اثر قابل ذکر کتاب «توسعه و تضاد» نوشته دکتر فرامرز رفیع‌پور و «تعارض فرهنگی در ایران» نوشته علی ملک‌پور است که به برخی از ابعاد این شکاف پرداخته‌اند.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. همچنین از پژوهشها و پیمایش‌هایی که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر مؤسسات انجام شده است استفاده شده است.

تعریف مفاهیم:

۱- شکاف: معادل واژه «cleavage» است و به معنای تفکیک قومی، جنسی، طبقاتی، عقیدتی، شهری و روستایی و ... در یک سیستم اجتماعی است.

۲- **ارزشها:** ارزشها مفاهیم برتری تلقی می‌شوند که اکثریت اعضای جامعه آن را خواستنی، درست و خوب می‌دانند. ارزشهای اجتماعی پدیده‌هایی پایه‌ای، تقریباً معدود و اغلب پایدار و تغییرات آنها تدریجی و درازمدت است و از این رو ارزشها پردوام تلقی می‌شوند.

۳- **تغییر ارزشها:** در تغییر ارزش گفته می‌شود که آنها پایدار و دائمی نیستند و ممکن است بر اثر پدیده‌های مربوط به تغییر ارزش، از تعداد وابستگان به یک ارزش کاسته و به تعداد وابستگان به ارزشی دیگر افزوده شود. در نتیجه ارزش‌ها را نمی‌توان ثابت دانست، تحول اجتماعی نیز مستلزم تغییر و تحول ارزش‌هاست.

۴- **انقلاب:** انقلاب نوعی نقطه و تقسیم جامعه به دو قسمت پیش و پس از انقلاب، حادثه تاریخی و بازتاب دگرگونی‌هایی است که به وسیله انقلاب بوجود می‌آید.

۵- **تحولات ساختاری - جمعیتی:** تحولات ساختاری و جمعیتی ناظر بر تغییراتی است که در فرآیند زمانی مشخص در شاخص‌های کلی و معین در یک جامعه بروز یافته و ضرورتاً همیشه با مطلوبیت نیز همراه نیست. حرکت کلی جامعه در قالب چنین تحولاتی دچار تحول می‌شود. این تحول با شدت‌های مختلف در ابعاد اقتصادی، اعم از سبک زندگی و معیشت، فرهنگی، سیاسی و همچنین در نهادهای اجتماعی بروز و ظهور پیدا می‌کند.

سازماندهی تحقیق:

این تحقیق دارای پنج فصل و نتیجه‌گیری می‌باشد.

فصل اول: بحث نظری و تئوریک تحقیق یعنی نظریه شکاف‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم: تکوین نظام جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته که خود شامل سه گفتار:

۱- رویکردهای موجود در تحلیل وقوع انقلاب اسلامی و نظریه‌های مربوط به پیروزی انقلاب

اسلامی

۲- تاریخچه و زمینه‌های انقلاب اسلامی

۳- چگونگی استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران

فصل سوم: ساختار و ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی ایران

فصل چهارم: پیوندهای هنجارها و ارزشی میان جامعه و دولت ایران در دهه اول انقلاب

گفتار اول: تغییر ارزشها پس از پیروزی انقلاب اسلامی

گفتار دوم: ارزشها و هنجارهای حاکم در دهه اول انقلاب

فصل پنجم: به اثبات فرضیه تحقیق اختصاص یافته، که شامل چهار گفتار:

گفتار اول: عملکرد و تحول ساختار حکومت اسلامی و تأثیر آن در ایجاد شکاف بین دولت و

جامعه

گفتار دوم: تحولات ساختاری - جمعیتی در ایران بعد از انقلاب و نقش آن در ایجاد شکاف

بین دولت و جامعه

گفتار سوم: نقش عوامل ناشی از فرآیند جهانی شدن در ایجاد شکاف بین جامعه و دولت

گفتار چهارم: شواهد و اطلاعات عینی درباره ضعف پیوندهای ارزشی میان جامعه و دولت در

دهه دوم و سوم انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل پایان: نتیجه گیری

بخش اول